در «چاردیواری» بخوانید:
معجزه زن و سوزن در بلوچستان

درباره فیلم «پاپ»، ساخته احسان عبدی‌پور
حیات سینمایی احسانو

جام جم
روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران
www.jamejamdaily.ir
دوشنبه ۱۴ مهر ۱۳۹۹ | ۱۷ صفر ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌ویکم - شماره ۵۷۷۳ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Monday - October 5, 2020

۱۲

پرداخت نشدن سهم دولت برای حمل‌ونقل عمومی، باعث شده تا شورای شهر تهران به فکر افزایش دوباره قیمت بلیت مترو و اتوبوس‌ها بیفتد

رفت‌وآمد در تهران گران‌تر می‌شود؟

۱۸

گفت‌وگو با رضا جاودانی و مسعود اسکویی درباره شادی دسته‌جمعی پس از برد پرسپولیس مقابل النصر

شبی که با هم خندیدیم

شما هم حتما وقتی با اتفاق ناخوشایندی مواجه می‌شوید این جمله را زیاد شنیده‌اید: غصه نخور؛ حتما خیری در آن است... برد تیم پرسپولیس ایران مقابل النصر عربستان هم با یک اتفاق بد شروع شد. اما بازی که تمام شد همه متوجه شدیم خیری در شری که عرب‌ها به پا کردند وجود داشت، خیری بی‌نظیر. قضیه چند ساعت قبل بازی شروع شد؛ ای‌اف‌سی عیسی آل‌کثیر را برای شش ماه از بازی محروم کرد! آن‌هم به دلیلی باورنکردنی...

۲۰

بررسی دلایل تعطیلی گسترده واحدهای تولیدی در شهرک صنعتی ایلام و ورود دستگاه قضا به این ماجرا

بازگشت به تولید

مدتی است قوه قضاییه برای جلوگیری از تعطیلی واحدهای تولیدی در سراسر کشور، اقداماتی در دستور کار خود قرار داده است تا بانک‌ها، واحدهای اقتصادی فعال را تملیک و سپس تعطیل نکنند. اخیرا قوه قضاییه طی بخشنامه‌ای به استانداری و اداره‌کل صنعت معدن و تجارت استان ایلام اعلام کرده بانک‌ها حق ندارند واحدهای صنعتی فعالی که مشکل بدهی بانکی دارند را تملیک کنند...

۳

گزارش میدانی از شهرک سینمایی انقلاب و دفاع مقدس

دنیای خاکریز و خاطره

عکس: مهدی بلوریان | فارس | ۶_۷

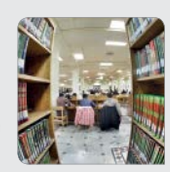

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در دوره شیوع کرونا فرصت‌های تازه‌ای پیدا کرده است

غریبه‌ای در محفل کتابخوان‌ها

۱۰

سازمان نوسازی مدارس با کمک گروه‌های جهادی پویش «آجر به آجر» را برای رفع مشکلات مدارس کلید زده است

آجر به آجر مدرسه بسازیم

۱۳

مقایسه درآمدهای پرسپولیس و استقلال در لیگ قهرمانان آسیا

آغوش باز به دلارهای AFC

۱۷

یادداشت

عدالت در شهر، گم شده است

دکتر شریف مطوف
کارشناس برنامه‌ریزی شهری

شورای شهر تهران دیروز یک فوریت طرحی را تصویب کرد که بر اساس آن در آینده‌ای نزدیک نرخ بلیت مترو و اتوبوس مجددا افزایش می‌یابد. این در حالی است که در ماه خرداد نیز افزایش بهای بلیت را شاهد بودیم و امسال در اتفاقی کم‌سابقه قرار است کرایه حمل‌ونقل عمومی دو بار در طول یک سال گران شود. البته پرواضح است که امسال، سال سختی برای شهرداری تهران از نظر تامین درآمدها بوده است و مدیران شهری نیز در ماه‌های گذشته بارها نسبت به کاهش منابع درآمدی شهرداری گلایه کرده‌اند. اما تفاوت مهم تهران به‌عنوان پایتخت ایران با دیگر شهرهای جهان در این زمینه این است که اصولا در شهرهای دیگر تا حد امکان دولت‌ها برای ارائه خدمات شهری ارزان‌تر به مردم یارانه می‌دهند، اما چند سالی است که در کشور ما به محض این‌که منابع درآمدی شهرداری به مشکل برمی‌خورد، مدیریت شهری به‌جای تامین هزینه اداره شهر از بودجه‌های عمومی به جیب مردم پناه می‌آورد.

در همین راستا، در سال‌های گذشته بارها شاهد این نکته بودیم که مسؤولان شهرداری تهران و اعضای شورای این شهر از پایبند نبودن دولت به تعهدات مالی تعیین‌شده در قانون برای تامین بخشی از هزینه‌های توسعه حمل‌ونقل عمومی گلایه کرده و گفته‌اند که این مساله باعث فرسودگی قطارهای مترو و اتوبوس‌ها شده است. اما تاکنون کمتر دیده‌ایم که مدیران شهری پایتخت گامی جدی برای وصول مطالبات شهرداری از دولت بردارند و خود دولت نیز هیچ اهمیتی به پرداخت بدهی‌هایش نمی‌دهد. این مساله ثابت می‌کند که حمل‌ونقل عمومی جزو اولویت‌های هزینه‌ای دولت نیست و متاسفانه چوب این اتفاق را اقشار پایین‌دست جامعه می‌خورند که بیش از همه از مترو و اتوبوس استفاده می‌کنند و حالا گران شدن مجدد کرایه مترو و اتوبوس بیش از پیش سبد هزینه‌های آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

سال‌ها پیش که هنوز فاصله طبقاتی موجود در کشور به حد کنونی نرسیده بود، تحقیقاتی انجام دادم که نشان می‌داد درآمد سرانه ساکنان نیمه شمالی پایتخت به طور متوسط شش برابر درآمد سرانه ساکنان نیمه جنوبی آن است. این در حالی است که تا آن زمان، در شهرداری تهران برای شمال شهر شش برابر جنوب شهر هزینه شده بود. با توجه به این‌که در سال‌های اخیر نیز شاهد تغییر ملموسی در این زمینه نبوده‌ایم، همچنان می‌توان گفت در پایتخت ما عملا عوارض شهرداری در حالی بیشتر به سود مردم شمال شهر خرج می‌شود که ساکنان جنوب شهر بیشتر نیازمند خدمات شهرداری ازجمله حمل‌ونقل عمومی هستند و این یعنی نبود عدالت اجتماعی در مدیریت شهری.

نکته دیگر این که اصولا در شهرهای پیشرفته جهان، همواره از ساکنان مناطق مرفه چند برابر اهالی محله‌های فقیرنشین عوارض گرفته می‌شود. این در حالی است که در تهران و دیگر کلانشهرهای ما تقریبا چنین اصلی رعایت نمی‌شود و عوارض پرداختی شمال‌شهری‌ها چندان بیشتر از ساکنان محله‌های جنوبی نیست، چراکه اصولا رانت و نفوذ اقشار مرفه در بدنه مدیریت شهری باعث می‌شود عدالت اجتماعی در دریافت عوارض رعایت نشود و تصمیم‌گیران هم وقتی به دنبال جبران کسری بودجه شهرداری هستند، به‌جای تامین هزینه‌های لازم از اقشار مرفه ساده‌ترین راهکار یعنی تامین هزینه از جیب همه مردم و به‌خصوص اقشار ضعیف‌تر را انتخاب می‌کنند.

تلنگر

شادی‌های کوچک بزرگ

علیرضا رأفتی
روزنامه‌نگار

حیاط خانه ما ۲۰ قدم پهنا داشت و ۳۰ قدم درازا. با یک باغچه که بزرگ‌ترین درخت یاس دنیا را داشت و سبد بسکتبالی که خیلی بلندتر از استانداردهای فیبا بود و یک دوچرخه آبی و قرمز که به دیوار تکیه کرده بود. خیلی وقت بود کمکی‌های دوچرخه را باز کرده بودیم و بدون آنها حیاط را دور می‌زدم. خیلی وقت بود بزرگ شده بودم. باز کردن کمکی دوچرخه آخرین مرحله گذر از کودکی بود و اولین موفقیتی که می‌شد به آن افتخار کرد؛ همان موقع‌هایی که از ذوق شادی‌های کوچک دلم قنج می‌رفت و چند روز کیفور بودم.

کرونا باعث شده چند وقتی رنج کلاچ و ترمز کردن پشت ترافیک را به جان بخرم و سوار مترو و اتوبوس نشوم. دوست نویسنده‌مان همیشه می‌گوید: «نویسنده که نباید ماشین داشته باشد. باید هر روز مردم مترو و اتوبوس را ببیند.» اما من که نویسنده نیستم. من فقط می‌خواهم وقتی به خانه برمی‌گردم تنها باشم. یک وقت یک ویروس میکروسکوپی را پر شالم تو راهی سوار نکنم و به خانه ببرم. چند وقتی است چهره مردم را در مترو و اتوبوس ندیده‌ام، اما لابد خیلی قیافه‌شان درهم‌تر از چیزی است که پنج شش ماه پیش بود. آن وقتی که ارز تازه داشت به مرزهای ناخوانده جدیدش تجاوز می‌کرد و طلا داشت سکه می‌شد. ۸ صبح، مردمی که در ایستگاه دروازه دولت خط عوض می‌کردند با هم حرف نمی‌زدند. توی خودشان بودند. شاید حساب و کتاب می‌کردند که حقوق یک ماه ۸ صبح خط عوض کردن‌شان می‌شود چند اسکناس بیگانه؟

حیاط‌مان ۱۵ قدم پهنا دارد و ۲۰ قدم درازا. سبد بسکتبال را پایین آوردیم. دیگر به درد نمی‌خورد. خیلی کوتاه شده بود. درخت یاس باغچه را وقتی از جا کندیم، همه‌اش توی صندوق عقب یک ماشین معمولی جا شد. نه سبد بسکتبال بلندتر از استاندارد فیبا بود و نه درخت یاس‌مان بزرگ‌ترین درخت یاس جهان. خانه‌مان کوچک شده است. انگار آدم هر چه بزرگ‌تر می‌شود، کم‌کم خانه برایش کوچک و بعد شهر کوچک می‌شود و بعد هم لابد دنیا آن‌قدر کوچک می‌شود که باید ترکش کرد.

پریشب بعد از بازی پرسپولیس و النصر از تحریریه زدم بیرون. ماشین‌ها بوق شادی می‌زدند. مردم به روی هم می‌خندیدند. صبح فرداش لابد مردم در ایستگاه دروازه دولت وقتی خط عوض می‌کردند در گوشی، پیام‌های تبریک و شادی را برای هم می‌فرستادند و برای یک روز فکر نمی‌کردند به این که حقوق سر ماه‌شان می‌شود چند اسکناس بیگانه. دروغ چرا؟ منی که از فوتبال سر در نمی‌آورم هم از ته دل خوشحال بودم. از همان جنس خوشحالی که وقتی تازه کمکی‌های دوچرخه‌ام را باز کرده بودم توی دلم می‌نشست. انگار آدم هر چقدر هم بزرگ شود و دنیا برایش کوچک، باز هم دلش همان است و حجم شادی همان. باز هم شادی‌های کوچک می‌توانند چند وعده‌ای کیفورش کنند که تلخی‌های دنیا را فراموش کند. چقدر گاهی به این شادی‌های کوچک بزرگ نیازمندیم.

دیدگاه

علاقه‌های مشترک ایران و کویت

عبدا... سهرابی
سفیر پیشین ایران در قطر

از نظر سیاست خارجی آن چیزی که برای جمهوری اسلامی ایران بسیار مهم و ضروری است، گسترش ارتباطات با همسایگان است. به دلیل این‌که موقعیت ژئوپلتیک کشورمان در شرایطی قرار دارد که برقراری روابط با همسایگان جنوبی حاشیه خلیج فارس از اهمیت فراوان برخوردار است.

بعد از انقلاب متأسفانه به دلیل شرایط تحریم و فشارهای استکبار جهانی، تشکیلاتی به‌عنوان شورای همکاری کشورهای حاشیه خلیج‌فارس باهدف مقابله باسیاست‌های جمهوری اسلامی تشکیل شد. این در حالی بود که ما به‌صورت سنتی با این کشورها روابط دیرینه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، قومی و قبیله‌ای داشتیم و یکی از این کشورها که در مسیر این تعاملات قرار می‌گرفت، کویت بود. کویت اولین کشوری بود که در بین کشورهای حاشیه‌ای خلیج‌فارس، جمهوری اسلامی را به رسمیت شناخت. باوجود این‌که کویت در دوران جنگ تحمیلی از سیاست‌های عراق حمایت می‌کرد، اما با این وصف در طول این دوران، کمک‌های زیادی از سوی شیعیان و علاقه‌مندان به امام و جمهوری اسلامی به ایران صورت گرفت و خاطرات این مراودات هیچ‌وقت از ذهن ما زدوده نخواهد شد. بعد از جنگ نفت و پایان اشغال کویت از سوی عراق، گروه‌های مهار آتش وزارت نفت از سوی ایران برای کمک به کویت جهت خاموش کردن چاه‌های مشتعل این کشور وارد عمل شدند و حتی در این راه شهید هم دادیم. این کمک‌رسانی ازاین جهت بود که به سرنوشت همسایگان خود علاقه‌مندیم و در حوزه‌های فرهنگی، اعتقادی و سیاسی علاقه‌های مشترک زیادی داریم. در شرایط کنونی کویت در وضعیتی است که متأسفانه بخشی از جریان‌های وهابی و نفوذی در این کشور فعالیت دارند و از سوی دیگر فشارهای آمریکایی‌ها هم به کویت باعث شد این کشور نیز تحت تأثیر قرار گیرد و ازاین جهت روابط ایران و کویت با فراز و نشیب‌هایی همراه بود.

در مقاطعی کویتی‌ها ناگزیر بودند هم با ایران تعاملاتی داشته باشند و هم روابط خود را با برخی رقبای ایران در سطح مطلوب نگه‌دارند. با این وصف پس از ماجرای جولان داعش در عراق و سوریه، آنها متوجه شدند باید جانب ایران را بیشتر نگه‌دارند و ازاین جهت در برخی موضعگیری‌های شورای همکاری خلیج‌فارس، سیاست‌های مستقل‌تری را در مواجهه با ایران در پیش گرفتند. بعد از قطع روابط سیاسی ایران و عربستان، همچنان روابط دیپلماتیک ایران و کویت در سطح سفیر باقی‌مانده است. با انتخاب امیر جدید امیدواریم در آینده، سطح روابط میان تهران و کویت ارتقای بیشتری پیدا کند. در حوزه اقتصادی طی سه چهار ماه اخیر ورود کالا و محصولات کشاورزی از جمهوری اسلامی ایران به کویت افزایش پیدا کرده و امید به توسعه بیشتر این روابط در حوزه‌های مختلف وجود دارد.

نگاه

نیم قرن کم نیست

محمدجواد ترابی
روزنامه‌نگار علم

صدایش را هیچ وقت این چنین خوشحال نشنیده بودم. خودش زنگ زده بود این خبر خوب را بگوید. بالاخره در کشور یک نهاد خصوصی پیدا شده که حامی کارهایش شود؛ موزه‌اش را سامان دهد و برای تربیت نسلی جوان از فضانوردان آینده، دوره‌ای آموزشی را در ایران و روسیه ترتیب دهد. از ایده‌هایش گفت که قرار است خیلی زود عملی شود، درست ۲۰ روز پیش بود... دیروز اما خبر آمد سیروس برزو، پیشکسوت ترویج فناوری فضایی، به سبب ابتلا به کرونا در ۶۷ سالگی، چشم از جهان فروبست. دیروز نخستین روز از هفته جهانی فضا بود؛ به یاد پرتاب اسپوتنیک، نخستین ماهواره جهان از خاک شوروی و آغاز عصر فضا. برزو چهارساله بود که عصر فضا با صدای رادیویی بیپ بیپ آغاز شد. علاقه او به فضا از همان سرخس با حمایت معلمی در نوجوانی شکل گرفت. ۳۰ سالش نشده اما نویسنده‌ای سرشناس در حوزه علمی و فضا بود. کیهان علمی را به راه انداخت و مجله‌ای ماندگار در تاریخ ترویج علم کشور به نام «مرزهای بی‌کران فضا» منتشر کرد. مرزهای بی‌کران فضا، ۳۰ شماره منتشر شد ولی به واسطه نوآوری‌های ژورنالیستی او چه در محتوا، مانند مصاحبه اختصاصی با فضانوردان و چه در فرم که نخستین نشریه ایران بود که با رایانه صفحه‌آرایی می‌شد، اثر آن ۳۰ شماره پس از ۳۰ سال هم از بین نرفت و همچنان بسیاری از چهره‌های فضایی کشور به تاثیرگذاری او در سرنوشت‌شان تاکید می‌کنند. سیروس برزو پس از آن درست در نخستین سال فروپاشی شوروی به روسیه مهاجرت کرد و با آموزش زبان فارسی روزگار گذراند تا بی‌واسطه بتواند فرصت ارتباط با کیهان‌نوردان روس را پیدا کند. میزان صمیمیت برزو با این کیهان‌نوردان به حدی بود که بسیاری از سفرهای آنها به ایران را او یک‌تنه ترتیب داد. مجموعه یادگاری‌های فضایی برزو که شامل صدها قطعه به یادگارمانده از عصر فضاست هم هیچ بدیلی در خاورمیانه ندارد؛ مجموعه‌ای که به دلیل همین رفاقت‌های بی‌واسطه او با فضانوردان، اندک‌اندک جمع شد و تبدیل به دریایی از یادگارهای فضایی شد. برزو در ایران چشم و چراغ روزنامه‌نگاری علم و فضای ترویج علم کشور بود به حدی که هیچ نشریه معتبر ترویجی علمی و هیچ برنامه رادیو تلویزیونی شناخته‌شده‌ای نیست که میزبان او به دفعات نبوده باشد. قلمش بسیار روان و روایت‌هایش از عصر فضا و فضانوردی به واسطه همین مناسبات صمیمانه‌اش بی‌مثال بود. هفت عنوان کتاب علمی ترویجی در حوزه فضا تنها بخشی از فعالیت‌های ترویجی او در بیش از ۵۰ سال مطالعه و ترویج فناوری‌های فضایی و فضانوردی است. ۵۰ سال... نیم قرن فعالیت عددی کمی نیست، یک عمر است؛ عمری پربرکت. روحش شاد.

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی تهران
فراخوان انتخاب کارگزار
به منظور جذب دانشجویان خارجی
شرح در صفحه ۸
م الف/ ۳۰۲۵

نیازمندی استانی
قم، اصفهان و البرز
ضمیمه رایگان امروز
جام جم